

دکتر شریف حسین قاسمی

استاد بخش فارسی دانشگاه دهلی

## ذکر سعدی در انفس العارفين

شیخ فرید الدین عطار در تذکرة الاولیاء خود راجع به عرفا و سخنانشان چنین می نویسد :

« بعد از قرآن و احادیث نبوی هیچ سخن بالای سخن مشایخ طریقت نیست رحمهم الله علیهم که سخن ایشان نتیجه کارها و حال است نه ثمره حفظ و قال و اذعیان است نه از بیان و از اسرار است نه از تکرار و از جوشیدن است نه از کوشیدن و از علم لدنی است نه از علم کسبی و از علم ادبئی (۱) است نه از جهان علمئی ابی (۲) که ایشان ورثه انبیاء اند » (۳)

پیش آمده‌ای زیر را که جامی در «نفحات الانس» و شاه ولی الله دهلوی در «انفس العارفين» درباره شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی نقل نموده اند با اذعان و ایمان به اظهارات شیخ فریدالدین عطار می توان مورد بررسی قرار داد.

جامی در «نفحات الانس» درباره شیخ سعدی آورده است:

« یکی از مشایخ منکر وی بود . شبی در واقعه چنان دید که درهای آسمان گشاده شد و ملائکه با طبقه‌های نور نازل شدند . پرسید که این چیست گفتند برای سعدی شیرازی است که بیعتی گفته که قبول حق سبحانه است و آن بیت اینست:

برگه درختان سبز در نظر هوشیار هرورقی دفترست معرفت کردگار

آن عزیز چون از واقعه درآمد هم در شب بدر زاویه شیخ سعدی رفت که وی را بشارت دهد . دید که چراغی افروخته و با خود زمزمه می کند . چون گوش کشید همین بیت می خواند . (۴)

همچنین شاه ولی الله محدث دهلوی در انفس العارفين پیش آمد جالب و مهمی را درباره شیخ سعدی نقل می کند که از آن حتی می توان سراپای سعدی را نیز تا حدی مجسم ساخت . علاوه بر این ، این پیش آمد ، طی فصلی تحت عنوان « ذکر واقعات حضرت ایشان و کشف ارواح و آنچه بدان مانده آورده که در آن توضیح شده که ارواح اشخاص مقرب و برگزیده خدا می توانند به جسم خودشان برگردند و در دنیا ظاهر شوند . شاه ولی الله دهلوی درباره شیخ سعدی شیرازی می نویسد :

۱- حدیث رسول . ادبئی ابی فاحسن تادیبئی . یعنی خدا را ادب کرد و بنحو عالی ادب کرد .

۲- علمئی ابی . یعنی پدرم به من آموخت .

۳- تذکرة الاولیاء . دیباچه مؤلف . ص ۵ مرتب دکتر محمد استعلامی انتشارات زوار تهران .

۴- نفحات الانس ص ۵۴۲ مطبع نولکشور

« می‌فرمودند در اکبر آباد اثناء مراجعت از درس میرزا محمد زاهد ، کوچه دراز  
پیش آمد - ابیات شیخ سعدی در آنحالت می‌خواندم و ذوقی می‌کردم :

جز یاد دوست هر چه کنی عمر ضایع است

جز سر عشق هر چه بخوانی (۱) بطلالت است

سعدی بشوی لوح دل از نقش غیر حق ( ۲ )

علمی که ره بحق ننماید جهالت است ( ۳ )

مصراع چهارم از خاطر م برفت و در من قلعی و اضطرابی ازین سبب پیدا شد. ناگاه  
مردی دومی فقیر وضعی ملیح روی از جانب یمن من برآمد وگفت : « علمی که ره بحق  
ننماید جهالت است ، گفتم جزاك الله خیرالجزاء چه قدر قلق و اضطراب از دل من زایل  
نمودی آنگاه دودسته تنبول (۴) را برآورده پیش آن عزیز بردم ، تبسم کرد وگفت. این اجر  
باز رهانیدن است . گفتم : نه ولیکن شکرانه است . گفت : من نمی‌خورم .

گفتم : از جهت شرع احتراز می‌نمائید یا از جهة طریقت و ایا ماکان ( ۵ ) بیان  
فرمائید تا من هم احتراز نمایم . گفت : ازینها چیزی نیست ولیکن نمی‌خورم. آنگاه گفت:  
مرا زود باید رفت . گفتم : من هم بشتاب می‌روم ، گفت : شتاب ترمی خواهم. پس قدم برداشت  
و آخر کوچه نهاد . دانستم که روح مجسم است . ندا کردم که بر نام خود هم اطلاع دهید تا  
فاتحه می‌خوانده باشم . گفت : سعدی همین فقیر است.(۶)

پیش آمدی که درباره شیخ سعدی از انفاس العارفین در بالا نقل گردید دال بر اینست  
که سعدی شیرازی در نظر اهل تصوف و علم و فضل هندی مقام و حیثیت مخصوصی دارد . بیشتر  
صوفی‌ها و علماء هندی شعرهای سعدی را در آثار و ملفوظات خود نقل میکنند . بعضی اوقات  
دیده می‌شود که صوفی صافی و یا عالم برجسته مذهبی عقیده خود را مطرح می‌نماید و در

۱- بگویی : غزلیات سعدی ص ۳۲- آقای محمد علی فروغی کتابفروشی و چاپخانه  
بروخیم تهران . ۲- او : غزلیات سعدی . ۳- غزلیات سعدی ص ۳۲ .

۴- برگه درختی است که آنرا در هند با گج و چیزهای دیگر می‌خورند و آنرا  
پان‌عم می‌گویند و اگر کسی پان می‌خورد دهنش قرمز می‌شود ، امیر خسرو دهلوی از  
تنبول یا پان چنین تعریف می‌کند :

ناده برگی چو گل بوستان	خوب ترین نعمت هندوستان
طرفه نباتی که چو شد در دهن	خوش چو حیوان بدرآید ز تن
خوردن آن بوی دهن کم کند	سستی دندان همه محکم کند
سیر خورد گرسنه در دم شود	گرسنه را گرسنگی کم شود
تیزی او آلت قطع جزام	قول نبی رفته علیه السلام

۵- و ایا ماکان : و یا علت دیگری هست ،

۶- انفاس العارفین ص ۵۴ ،

چاپ مطبع احمدی دهلی - ۱۳۱۵ : ۱۸۹۷ .

حمایت از این نظر و عقیده خود شعری یا قطعه‌ای از شیخ اجل می‌آورد. خلاصه اینکه تأثیر افکار و عقاید سعدی در جامعه عرفا و علماء هند به حدیست که هرگز نمی‌توان آنرا نادیده انگاشت.

آنچه که از اظهارات شاه ولی‌الله محدث دهلوی بر می‌آید مبین این واقعیت است که سعدی در هند یک شیخ کامل یک مرد حقیقت آگاه و اهل معرفت و بنده مقرب خداست. در نتیجه می‌توان استنباط کرد که آنچه سعدی بحیث شیخ کامل، کشف و درک نموده به تمامی آنها را در تصنیفات و تألیفات منظوم و منثور خود بیان کرده است.

بیجا نیست اگر کلماتی چند درباره کتاب انفاس العارفين و گردآورنده و ترتیب‌دهنده آن نیز بنویسیم.

انفاس العارفين حاوی ملفوظات مولانا عبدالرحیم دهلوی (۱) می‌باشد که آنرا پسرش شاه ولی‌الله گرد آورده و ترتیب داده است. شاه ولی‌الله انفاس العارفين را چنین معرفی می‌نماید:

«می‌گویند فقیر ولی‌الله غنی‌عنه این کلمه چند است از اقوال و احوال و واقعات و تصرفات حضرت والا بزرگوار قدوة العارفين زبدة الواصلین .... مولانا الشیخ عبدالرحیم قدس الله سره العزیز» (۲)

شاه (۳) ولی‌الله یکی از برجسته‌ترین علماء و فضلا و مشایخ قرن هیجدهم میلادی در هند بشمار می‌آید. مولانا شاه عبدالرحیم دهلوی نقشبندی مشرب جامع فنون عقلی و نقلی حاوی علوم اصلی و فرعی و محدث نام آور هند بود (۴). تمام خانواده مولانا عبدالرحیم دهلوی یعنی پسرها و نوه‌ها و اشخاص دیگر در پیشبرد علوم دینی منشأ خدمات شایانی بوده‌اند. شاه ولی‌الله پسر مولانا شاه عبدالرحیم قرآن الحکیم را به فارسی ترجمه کرد. شاه عبدالعزیز (۵) پسر بزرگ شاه ولی‌الله آثار متعددی در زمینه علوم دینی بیجا گذاشت. شاه عبدالقادر و شاه رفیع‌الدین (۶)، پسرهای دیگر شاه ولی‌الله هم قرآن الحکیم را به زبان اردو ترجمه کردند. شاه عبدالحئی (۷) شاگرد و خویش شاه عبدالعزیز فرهنگ قرآن (لغات القرآن) را ترتیب داد. مولانا محمد اسحاق نوه شاه عبدالعزیز مشکوة را به زبان اردو برگرداند. خلاصه اینکه شاه عبدالعزیز ما هر علوم نقلی بود - شاه رفیع‌الدین در حل مسایل عقلی ید طولائی داشت و شاه عبدالقادر در مسایل و امور کشفی از همگنان خود گوی سبقت ربود. مختصر اینکه: این خانه تمام آفتاب است.

علاوه بر این در دهلی مدرسه‌ای بود بنام «مدرسه رحیمیه» که در قرن نوزدهم میلادی مرکز بزرگ ترویج و آموزش علوم دینی در تمام آسیا بود. دانشجویان از سراسر هند و خارج از هند اینجا می‌آمدند و علوم دینی را یاد گرفته آماده خدمت صمیمی به مذهب و ملت

۱- متوفی: دوازدهم صفر ۱۱۳۱ هـ. ۲- انفاس العارفين ص ۳

۳- متوفی: ۱۱۷۶ هـ. ۴- تذکره علماء هند ص ۱۱۹ ۵- متوفی: هفتم

شوال ۱۲۳۹ هـ. ۶- متوفی: ۱۲۴۹ هـ. ۷- متوفی: ۱۲۴۳ هـ.

می‌شدند . چنانکه می‌دانیم قرن نوزدهم میلادی از لحاظ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دوره انحطاط درهند شناخته می‌شود . سلطنت تیموریان رو بزوال بود و انگلیسی‌ها از بی دست و پایی تیموریان سوء استفاده نموده می‌خواستند بر تمام هند مسلط شوند . در این چنین دوره هرج و مرج افراد خانواده ولی‌اللهی از وقار و عظمت علوم دینی نه تنها نگهداری کردند بلکه در ترویج و گسترش و پیشرفت آن مساعی قابل ملاحظه و شایانی را بخرج دادند. اینها سعی کردند احساس درست و واقعی مذهبی را در عموم مردم ایجاد نمایند .

از کتاب طرفه‌ها

نوشته اقبال یغمائی

### سردابه

خواجه نصیرالدین طوسی روز دوشنبه ۱۸ ذی حجه ۶۷۲ هجری - ۱۲۷۴ میلادی - درگذشت . خواستند جسدش را در کاظمین پائین پای دو امام به خاک سپارند . در اثنای کندن گور سردابه‌ای وسیع و مزین به کاشیکاریهای بدیع پدیدار شد که ساختن آن روز یازدهم جمادی‌الاول سال ۵۹۷ پایان یافته بود . دانستند که آنجا را ناصر بالله سی و پنجمین خلیفه عباسی برای آرامگاه خود پرداخته بود و پسرش برخلاف وصیتش وی را در رصاقه به خاک سپرده بود. شگفت اینکه تولد خواجه نصیر و پایان یافتن کار ساختمان سردابه هر دو در یک روز - ۱۱ جمادی‌الاول سال ۵۹۷ اتفاق افتاده بود.

به هر روی ، جسدخواجه نصیر را در میان سردابه به خاک سپردند.